

سخن سردبیر

چقدر علم اطلاعات و دانش‌شناسی در آسناد بالادستی حضور دارد؟

در جلسه‌ای در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پیش‌نویس سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مورد بحث قرار گرفت و از گروه‌ها خواسته شد تا بر اساس دستور مقام معظم رهبری اگر پیشنهاد و انتقادی بر آن است ارائه شود. در کمیته علم اطلاعات و دانش‌شناسی هم قرار شد تا دوستان همکار نظرات خود را برای ارسال تهیه کنند. از مجموع نظرات، نکات زیر برجسته شد که بخشی از آن در این سرمقاله آمده است:

نکته اول این که مقام معظم رهبری در خصوص این سند یادداشتی هشت بندی نوشته‌اند که در آن ضمن تقدیر از زحمات تهیه‌کنندگان سند، به لزوم همکاری و اظهار نظر همه علاقه‌مندان و خبرگان اشاره کرده‌اند. نکته دیگر، توجه ایشان در این یادداشت به زبان فارسی است؛ آنجا که ایشان برخلاف بسیاری به غلط واژه «پیشنهادات» را به جای «پیشنهادها» نوشته‌اند. البته به کارگیری واژه «آرمان» با توجه به این که معنایش آرزو است با اهداف گفته شده هماهنگ نیست. سوم، توجه به آینده‌نگری است که امر بسیار مطلوبی است و کشوری که زنده است و امیدوار، حتماً برای فردا و فرداها برنامه دارد و برنامه می‌نویسد؛ اما نکته هشداردهنده این است که این اقدام نباید به ذکر کلیات ختم شود و مهم‌تر اینکه وضع موجود نادیده گرفته و هشدارهای لازم در مورد اصلاح وضع موجود کم‌رنگ شود. چهارم اینکه در اغلب سندهای بالادستی، طراحان از کلیات شروع می‌کنند و بعداً چنانچه مقدور باشد به برنامه توجه می‌شود. پیشنهاد این است دست کم یک بار از پایین به بالا برنامه‌ریزی شود، گرچه در آن هم توفیق چندانی نداشته‌ایم؛ چرا که برنامه‌ریزی هر ساله کشور به اصطلاح از پایین به بالا است ولی کمتر با واقعیات تطبیق می‌کند و در اجرا همواره مشکل داشته است.

بی‌شک برنامه‌ریزی برای آینده زمانی کارساز است که بر پایه‌های محکم علمی و عملی در زمان حال و با استفاده از تجارب گذشته صورت گیرد. قطعاً این اقدام در آغاز چهل سال دوم انقلاب با تکیه بر تجارب گذشته و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای قبلی و فعلی می‌تواند سودمند باشد.

نکته دوم که قدری اختصاصی‌تر است نگاه کارشناسانه از منظر علم اطلاعات و دانش‌شناسی به این سند است. عدم حضور علم اطلاعات و دانش‌شناسی و یا مفاهیم مرتبط با

آن در اسناد بالادستی معلول دو عامل بسیار مهم است: اول، بحران هویت در خود رشته و خستگی بنیان و مدافعان آن برای معرفی آن به جامعه و دوم، ناشناخته بودن این رشته در نگاه مسئولان و طبعاً عدم توجه آنان به این حوزه برای استفاده از تخصص‌های موجود در آن، که این دومی هم به عامل اول برمی‌گردد.

توضیح بیشتر این که در متن یادداشت رهبری تنها در بند هشتم از اصطلاح اطلاع‌رسانی یاد شده است که با توجه به عبارات پس و پیش آن به عملکرد سازمان‌های خبرپراکنی چون صداوسیما و مطبوعات مربوط می‌شود و ربطی به حوزه ما ندارد.

در متن الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هم هیچ‌جا از اطلاع‌رسانی و بازیابی درست اطلاعات خبری نیست. به نظر من، خوب بود دست کم در بخش آرمان‌ها از اطلاعات، جریان اطلاعات، ذخیره به منظور بازیابی درست اطلاعات، شفافیت اطلاعات، مستندسازی اطلاعات و امنیت اطلاعات اشاره‌ای می‌شد. متن آرمان‌ها بدین شرح است:

آرمان‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت: ارزش‌های بنیادی فرازمانی و فرامکانی جهت‌دهنده پیشرفت است. مبنایی‌ترین این ارزش‌ها نیل به خلافت الهی و حیات طیبه است. اهم ارزش‌های تشکیل‌دهنده حیات طیبه عبارتند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و هم‌زیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با دشمنان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی.

اگرچه می‌توان گفت که اطلاعات و بازیابی درست آن بستر همه فعالیت‌های اجتماعی است، اما با گذشت چهل سال از انقلاب می‌بینیم که بدون توجه خاص به اطلاع و اطلاع‌رسانی به شیوه‌ای صحیح نمی‌توان از بازیابی درست مطمئن بود و در این صورت مشاهده می‌شود که تحقق بسیاری از آرمان‌هایی که به‌نوعی در قانون اساسی و سایر سندهای بالادستی وجود دارد عقیم می‌ماند و به نتیجه نمی‌رسد. در بند ۴۸ **تدابیر** هم از اطلاعات و اطلاع‌رسانی می‌توانستند یاد کنند. متن آن به این شرح است:

ارتقای نظارت رسمی، مردمی و رسانه‌ای بر ارکان و اجرای نظام و پیشگیری از تداخل منافع شخصیت حقیقی و حقوقی مسئولان و کارکنان حکومت و برخورد بدون تبعیض با مفسدان به‌ویژه در سطوح مدیریتی.

در همهٔ زمان‌ها و به‌ویژه زمان ما که بحث اطلاعات و بازیابی سریع و صحیح آن نقشی عمده و اصلی در تصمیم‌گیری و اجرا دارد، عدم توجه به آن، خواه آگاهانه خواه ناآگاهانه، در پیشرفت اخلاص ایجاد می‌کند. ممکن است بگویند که در مقام اجرا به اطلاعات توجه خواهد شد. پاسخ این است که در این چهل سال دیده‌ایم که هنوز بسیاری از مسئولان به اطلاعات و اهمیت آن، آن‌چنان که لازم است واقف نیستند و به آن بها نمی‌دهند، یا بعضی آن را ملک طلق خود می‌دانند. عدم جریان صحیح و سریع اطلاعات و نبودن نظارت بر این سرمایه ملی و بین‌المللی ما را با دشواری‌های گوناگون مواجه کرده است. این بحث مربوط به این سند است و اشکال در نگارش بسیاری از سندهای بالادستی دیگر هم کم‌وبیش وجود دارد.

اگر علم اطلاعات و دانش‌شناسی بخواهد در عرصه‌های آیندهٔ کشور محلی از اعراب داشته باشد و به‌جای کتابداری به معنای (کتاب + داری) در صحنهٔ اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی اطلاعات نقشی داشته باشد باید به خود آید و در چهل سال دوم انقلاب برای خود نقشی دست‌وپا کند. این تلاش مستمر و آگاهانه که توسط جوان‌ترها، با مشاوره با پیش‌کسوتان باید صورت گیرد می‌تواند تا حدودی نقش رشته را مشخص کند؛ آنگاه می‌توان انتظار داشت تا مسئولان هم به این رشته توجه کنند. همچنان که در کشور توجه به امر اطلاعات و ویژگی‌های آن مسئله‌ای اساسی و بنیادین است برای رشته ما هم توجه به آن مسئله بود و نبود است. یا باید از چهاردیواری کتابخانه‌ها بیرون آمد و با فناوری‌های نوین آشنا شد و آن‌ها را در زندگی به کار بست و فارغ‌التحصیلان رشته را آماده به کار تربیت کرد، یا باید با کیان رشته خداحافظی کرد و چون گذشته در کنج مکان‌هایی به کارهای دیگر پرداخت. اکنون اگر رشته بخواهد بماند باید پس از چهل سالی که گذشت خانه‌تکانی کرده و به مسائلی مهم از جمله موارد زیر توجه کند:

بازخوانی تاریخچهٔ رشته در جهان و ایران؛

اصول راهبردی در ایجاد و استمرار رشته؛

سیر تحول رشته در چهل سال نخست انقلاب؛

هویت / اصول و قواعد / دایره شمول رشته؛

● گسترش رشته به لحاظ کمی و کیفی؛

نقد کلی رشته (خودارزیایی) / حرفه یا علم؟ رشته یا میان رشته؟ تخصص یا تجربه؟

تجزیه و تحلیل رشته

به لحاظ کاربرد و استخدام: آیا فارغ التحصیلان در جای خود به کار گمارده

شده‌اند؟ آیا اگر در منصبی قرار گرفتند از نام بردن رشته خود شادمانند و به آن

افتخار می کنند و برای ارتقای رشته اثرگذار بوده‌اند؟

به لحاظ معرفی به جامعه مخاطب: آیا از فرصت‌ها استفاده و با تهدیدها مبارزه

کرده‌اند؟

به لحاظ تأثیرگذاری بر رشته‌های دیگر: آیا با رشته‌های دور و نزدیک تعامل

داشته‌اند؟

به لحاظ افراد شاخص رشته: آیا این افراد تأثیرگذاری داشته‌اند؟

به لحاظ سازمان‌های حامی و انجمن‌های علمی به‌ویژه مرکز اسناد و کتابخانه ملی:

کارکرد این سازمان‌ها و انجمن‌ها چگونه بوده است؟

به لحاظ جایگاه رشته در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: آیا حضور رشته در

سندهای بالادستی پررنگ است؟

به لحاظ وضعیت دانشگاه‌های پرورش دهنده نیروی کار رشته: آیا دانشگاه‌ها و

گروه‌های ذی ربط با هم رقابت سالم داشته یا با هم مقابله کرده‌اند؟ آیا تشریک

مساعی صورت گرفته یا پراکنده کاری شده است؟

به لحاظ پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، کتاب‌ها، مجلات، مقالات، سمینارها، تحقیق‌ها:

گردآوری و نقد ادبیات رشته چگونه بوده است؟

به لحاظ آینده: برآیند کارهایی که تاکنون صورت گرفته است چیست و طرح‌های

ماندگاری و توسعه کدامند؟

به لحاظ فناوری و برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی: چه اقدامات مهمی صورت گرفته یا می‌گیرد؟

به لحاظ فضای مجازی: نقش برجسته رشته در این زمینه چیست؟
و سرانجام چه باید و از کجا شروع باید کرد؟



در این شماره یکی از مقالات، مروری است به دغدغه اصلی رشته و شامل هشدارهایی است برای سامان‌دهی اوضاع داخلی و خارجی آن. مجله از این نوع مقالات و مقالات دیگری که به‌ویژه با روش کیفی انجام شده‌اند به شدت استقبال می‌کند و معتقد است که قوام و دوام رشته در گروه توجه به بنیان‌های حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و استفاده از فرصت‌های موجود و مبارزه با تهدیدها است. بقیه مقالات این شماره بیشتر به ادبیات کودکان تعلق دارد و می‌توان آن را شماره‌ای ویژه کودکان و نوجوانان نامید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Chief Editor's Note

The concept of information science is not present in the high-level state documents of Islamic Republic of Iran

GholamReza Fadaie

Professor, Department of KIS, University of Tehran
ghfadaie@ut.ac.ir



Abstract

One of these documents is the *Islamic-Iranian model of progress*. In this document as well other high-level state documents, one can hardly find the word or even concept of knowledge and information science (KIS). This is mostly because the professionals in KIS discipline did not accomplish their function and therefore, although Iran suffers from the lack of real concept of storage and retrieval, the KIS professionals do not have any real concept of this discipline.

Therefore, the specialists in KIS must take major steps in order to renovate their activities as well as their theoretical concepts such as: Rereading the world and Iranian history of KIS, the strategic principles for development of KIS, the development process of KIS after the Islamic Revolution, the identity, the principles and rules of KIS, the quantity and quality in KIS, the critical review and analysis of KIS in terms of application, occupation, orientation, impact, famous figures, and institutions and so on.